

در ماجرای رد صلاحیت هاشمی رفسنجانی؛

بی‌اعتمادی مردم به نظام نتیجه دروغگوئی، پنهان‌کاری و گریز از مردم در نهادهای حاکمیتی است

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، مسیح مهاجری در روزنامه جمهوری اسلامی نوشت؛ اگر افراد غیرمسئول در نهادهای حکومتی و دولتی برای پشت کردن به خطمشی امام خمینی که بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی است، حرفی بزنند و یا اقدامی کنند شاید امری طبیعی باشد، اما وقتی مسئولان این دستگاه‌ها برخلاف نظر رهبر کبیر انقلاب و مؤسس نظام عمل می‌کنند، نباید از کنار آن بی‌تفاوت عبور کرد. این، خطر بزرگی است که هم انقلاب را تهدید می‌کند و هم مانند مورینه، نظام را از درون می‌خورد و نابود می‌کند. امام خمینی درباره رأی مردم و مصلحت نظام، سخن روشنی دارند که در زمره محکمت‌انقلاب و نظام است و ایجاد خدشه و رخنه در آن، قطعاً به نابودی اصل و اساس انقلاب و نظام منجر می‌شود و خسران بزرگ و جبران‌ناپذیری به ملت و کشور وارد می‌کند. جمله امام اینست:

«اکثریت هرچه گفتند آراء ایشان معتبر است ولو به خلاف به ضرر خودشان باشد. شما ولی آنها نیستید که بگوئید که این به ضرر شماست ما نمی‌خواهیم بکنیم. شما وکیل آنها هستید، ولی آنها نیستید. بر طبق آنطوری که خود ملت مسیرش هست.» (صحیفه امام، جلد ۹، صفحه ۳۰۴)

این، مبنای فقهی امام خمینی است و هیچکس حق ندارد برخلاف این مبنا عمل کند. نادیده گرفتن این مبنای رهبر انقلاب، نادیده گرفتن مردم است. صاحب انقلاب و نظام و کشور هستند و کسانی که خود را بالاتر از مردم می‌دانند و به گمان خود، مصلحت مردم و نظام را تشخیص می‌دهند، بیگانگانی هستند که خود را به نهادهای حاکمیتی تحمیل کرده‌اند. تکلیف این افراد را باید روشن کرد که تاکنون با همین تفکر انحرافی به نظام جمهوری اسلامی لطمه‌های فراوانی وارد کرده‌اند و مردم را نسبت به بسیاری از اقدامات حاکمیتی بی‌اعتماد نموده‌اند. در ماجرای ردصلاحیت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ یا وزیر اطلاعات وقت که گفته به شورای نگهبان گزارش دادم چون آقای هاشمی رفسنجانی رأی بالایی مردم را دارد و انتخابات را می‌برد به مصلحت نظام نیست صلاحیتش تأیید شود راست می‌گوید و یا سخنگوی شورای نگهبان که این اعتراف را تکذیب می‌کند. در هر دو صورت، نتیجه این می‌شود که نظام جمهوری اسلامی در نهادهای حاکمیتی دچار دروغگوئی، پنهان‌کاری و گریز از مردم است. این، دقیقاً همان چیزی است که مردم را بی‌اعتماد می‌کند و به نظام جمهوری اسلامی ضربه‌ای سهمگین می‌زند و زده است.

اینجانب، در اینجا لازم می‌دانم دو مورد از دانسته‌های خودم را درباره این موضوع به اطلاع مردم برسانم تا روشن شود که ردصلاحیت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، چه براساس ترس از رأی بالایی مردم به ایشان بوده باشد و چه براساس ادعای شورای نگهبان که کهنسالی را مطرح کرده بود، اقدامی کاملاً خلاف بود. اول آنکه از آقای هاشمی رفسنجانی در همان سال ۹۲ شنیدم که شورای نگهبان براساس گزارش وزیر اطلاعات احمدی‌نژاد ایشان را ردصلاحیت کرد و این مطلب را ایشان از قول بعضی از حقوق‌دان‌های شورای نگهبان بارها به زبان آوردند. مورد دوم اینکه در معاشرت مستمر با آقای هاشمی رفسنجانی در آن زمان، احساس می‌کردم که ایشان از نظر جسمی، روحی و فکری کاملاً قوی، سرزنده و شاداب هستند و مسائل کشور و جهان را بسیار بهتر از امثال و اقران خود می‌فهمند. بنابراین، ادعای ناتوانی به دلیل کهنسالی کاملاً خلاف و غیرواقعی است. در آن زمان، قانونی هم برای ممنوعیت رئیس‌جمهور شدن کسی که در آستانه ۸۰ سالگی است وجود نداشت. رد کردن صلاحیت بزرگمردی که معتمد امام بود، شناسنامه انقلاب بود، از بزرگ‌ترین مجاهدان پیشگام در انقلاب اسلامی بود، ریاست مجلس و ریاست جمهوری و ریاست مجلس خبرگان را در کارنامه خود داشت و در آن زمان رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام بود، قطعاً اقدام خلافی بود که شورای نگهبان مرتکب شد. کسانی هم که آن روز از کنار این خلاف بی‌تفاوت عبور کردند، به نظام جمهوری اسلامی ظلم کردند. و حالا زمان آن فرا رسیده که به صورت همه‌جانبه در مورد شورای نگهبان تجدیدنظر شود تا نتواند به این روش ادامه دهد. با توجه و تشریح و حمایت‌های گوناگون نیز بی‌اعتمادی مردم را نمی‌توان برگرداند. مردم را با عملکرد صحیح می‌توان در کنار نظام نگهداشت. تا دیر نشده، نظام را دریابید.